

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

تفسیر تورات

پاراشای هفته: بهالوتخا ۵۷۷۹

اردوگاه و جماعت

ربای لرد جاناتان ساکس

Camp and Congregation

Beha'alotecha 5779

پاراشای بهالوتخا درباره شیپورهایی از جنس نقره است که موسی به دستور ساخت آنها می-  
پردازد:

خداوند با موسی صحبت کرده، گفت: "دو شیپور از جنس نقره بساز و با چکش  
کاری درست کن. آنها به کار فراخواندن جماعت [عده] و ابلاغ فرمان حرکت به  
اردوگاه ها [مخوت] خواهند آمد." (اعداد ۲-۱:۱۰)

این متن آشکارا ساده، الهام بخش یکی از عمیقترین تامل های ربای جوزف سولووچیک می - شود. او اندیشه اش را در رساله مهم خود به نام *کل دودی دوفک* در مورد برخورد یهودیت با رنج بیان می کند.<sup>1</sup>

ربای سولووچیک می گوید که مردم دو گونه گروه تشکیل می دهند - جماعت (جامعه/اجتماع) یا ملت. یکی زمانی شکل می گیرد که در برابر دشمن مشترک قرار می - گیرند. آنها برای حمایت متقابل از یکدیگر، گروه تشکیل می دهند. ما نیز مانند همه جانورانی که گله ای و دسته ای به دفاع از خود در برابر جانوران شکارچی می پردازند، برای بقای خود چنین می کنیم. چنین گروهی مخنه یا اردوگاه است همچون ساختار دفاع گروهی.

یک نوع دیگر و بس متفاوت از ساختار گروهی وجود دارد. افراد می توانند گرد هم بیایند، زیرا یک دورنما، آرزو و ایده ال های مشترک دارند. معنای واژه عبری *عده* یا جماعت همین است. واژه *عده* از ریشه *عد* است به معنای شاهد. *عدوت* (برعکس احکام و داوری ها) فرمان هایی هستند شاهد بر ایمان یهودی - مانند شبات که شهادت می دهد بر آفرینش، یا پسح که شاهد دخالت الهی در تاریخ است، و نمونه های دیگر. یک *عده* نه یک ساختار دفاعی، بلکه ساختاری سازنده است. مردم گردهم می آیند تا کاری را انجام دهند که هیچ یک نفر به تنهایی از پس آن بر نمی آید. یک جماعت حقیقی، جامعه ای است که بر محور یک پروژه مشترک، دورنمایی از خیر مشترک و *عده* ساخته می شود.

ربای سولووچیک می گوید که این ها نه فقط دو نوع گروه، بلکه به ژرف ترین معنا دو گونه راه بودن و رابطه با دنیا هستند. یک اردوگاه در اثر آنچه از خارج بر او می رود، پدید می - آید. یک جماعت (جامعه/اجتماع) به دنبال تصمیمی از درون تشکیل می شود. تشکیل

---

<sup>1</sup> Rabbi Joseph B. Soloveitchik, *Kol Dodi Dofek: Listen, My Beloved Knocks*, trans. David Z. Gordon (Jersey City, NJ: Ktav, 2006). A translation also appears in Bernhard H. Rosenberg (ed.), *Theological and Halakhic Reflections on the Holocaust* (Hoboken, NJ: Ktav, 1992).

اردوگاه، واکنش است و تشکیل جماعت، پیش‌نگری. اردوگاه پاسخی می‌باشد به آنچه در گذشته رخ داده است. جماعت، نماینده‌ی خواست‌های گروه برای دستیابی در آینده است. هر چند که اردوگاه در قلمرو جانوران نیز وجود دارد، ولی جماعت‌ها (جامعه/اجتماع) منحصر به انسان‌ها هستند. آنها حاصل توانایی انسان در اندیشیدن، سخن گفتن، ارتباط‌گیری، تجسم جامعه‌ای متفاوت از هر چه در گذشته وجود داشته، و مشارکت برای ساختن آن هستند.

یهودیان مردمی هستند در هر دوی این ساحت‌های بس متفاوت. نیاکان ما در مصر یک مخنه (اردوگاه) تشکیل داده، کنار یکدیگر در بوته‌ی آزمون بردگی و رنج آبدیده شدند. آنها متفاوت بودند. مصری نبودند. عبرانی (هبرو) بودند – واژه‌ای احتمالاً به معنای "از آن سو آمده" یا "خارجی". از همان زمان یهودیان دانستند که شرایط، ما را به یکدیگر پیوند داده است. ما تاریخی مشترک با یکدیگر داریم که بیشترین خطوط آن با اشک نوشته شده است. ربای سولووچیک آنرا عهدِ ایمانی (بریت گورال) می‌نامد.

این پدیده‌ای یکسره منفی نیست. به ما این حس را می‌دهد که متعلق به یک داستان واحد هستیم – و وجه مشترک ما نیرومندتر است از آنچه ما را از هم جدا می‌سازد:

سرنوشت ما میان دارا و ندار تمایز نمی‌گذارد... یا میان پارسا و موافق اسیمیلاسیون. هر چند ما به چندین زبان سخن می‌گوییم و ساکن سرزمین‌های گوناگون هستیم... همچنان سرنوشت مشترکی داریم. اگر یک یهودی در زاغه‌ای مورد ضرب و شتم قرار گیرد، امنیت یک یهودی ساکن در قصر به خطر می‌افتد. "گمان مبر که تو یک نفر، از میان همه یهودیان، به خاطر زندگی در قصر جان سالم به در خواهی برد" (کتاب استر ۱۳:۴).<sup>2</sup>

---

<sup>2</sup> In Rosenberg, Theological and Halakhic Reflections, 84.

سرنوشت مشترک جامعه ما همچنین به ما یک حس رنج مشترک می دهد. وقتی برای بهبود حال فردی بیمار دعای کنیم، آنرا شامل حال "همه بیماران اسرائیل" می سازیم. وقتی فرد سوگواری را تسلی می دهیم، "همه سوگواران صیون و یروشالایم" را تسلیت می گوئیم. ما با هم می گزیم. با هم جشن می گیریم. این به نوبه خود به مسئولیت مشترک می انجامد: هر فرد اسرائیل ضامنی است برای فرد دیگر<sup>3</sup> و این به کنشگری جمعی در زمینه رفاه، خیریه و انجام کارهای بخشنده می انجامد. همان گونه که مشه بن مایمون می گوید:

همه یهودیان ... مانند برادر یکدیگر هستند، چنان که گفته می شود شما فرزندان خداوند، خدای خود هستید (تثنیه ۱:۱۴). اگر برادر به برادر شفقتی نشان ندهد، چه کسی چنین کند؟ پس چشمان آنها به بالا و به برادران خود دوخته شده است...<sup>4</sup>

و همه این ابعاد عهد استوار بر سرنوشت در تجربه بردگی مصر شکل گرفت. اما یک عنصر دیگر در هویت یهودی وجود دارد. سولووچیک آنرا عهد مقصد (بریت یه عود) می نامد که پای کوه سینا شکل گرفت. این عهد، بنی اسرائیل را نه همچون مردمی تحت ستم، بلکه همچون اجراکنندگان هدف یگانه تبدیل به "قلمرویی از افراد پارسا و ملتی مقدس" (خروج ۱۹:۶) معرفی می کند.

در سایه این عهد، "ما" نه از راه آنچه دیگران بر سر ما آوردند، بلکه با رسالتی که پذیرفته و نقشی که در تاریخ به عهده گرفته ایم، تعریف شد. در مصر این انتخاب ما نبود که برده شویم، این سرنوشتی بود که از سوی دیگران به ما تحمیل شد. با این حال ما در کوه سینا وقتی گفتیم "انجام می دهیم و اطاعت می کنیم" (خروج ۲۴:۷)، انتخاب کردیم که مردمانی با خدا باشیم.

<sup>3</sup> Sanhedrin 27b; Shevuot 39a.

<sup>4</sup> Maimonides, Mishneh Torah, Hilkhhot Matanot LeEvyonim 10:2.

مقصد، فراخوان، هدف، رسالت، وظیفه: اینها نه یک مخنه (ارودگاه)، بلکه یک عده (جماعت/جامعه) می آفریند.

هدف ما در جایگاه مردمی با مقصد مشترک این است که به حضور خداوند شهادت دهیم - از راه شیوه زندگی کردن خود (تورات) و راهی که به عنوان یک قوم در طول قرون (تاریخ) می پیماییم.

جی کی چسترتون زمانی نوشت که "آمریکا تنها ملت دنیا است که بر اساس یک باور تشکیل شده است."<sup>5</sup>

چسترتون شهرت سوء یهودی ستیزی داشت و همین در نهایت او را از یادآوری این نکته بازداشت که دلیل تشکیل آمریکا بر اساس یک باور این بود که بنیانگذارانش - که همگی پیوریتن بودند - درون به قول آنها "عهد عتیق" (تورات) خیس خورده بودند. آنها مدل خود را از روی عهد میان خدا و بنی اسرائیل در کوه سینا گرفتند و همین بود که ملیت را به ایده وظیفه یا رسالتی خاص پیوند زدند. هرمان ملویل در سال ۱۸۴۹ یکی از سخنان به یاد ماندنی خود را در رمان کت سفید در همین مورد نوشت:

ما آمریکایی ها مردمانی برگزیده و خاص هستیم - بنی اسرائیل زمان خود؛ ما صندوق عهد آزادی های دنیا را حمل می کنیم... خدا مقرر ساخته و بشریت کارهای بزرگی از نسل ما انتظار دارد؛ و ما احساس های بزرگی در روح خود داریم. باقی ملت ها

---

<sup>5</sup> G. K. Chesterton, What I Saw in America (New York: Dodd, Mead and Company, 1922), 7.

باید خیلی زود پشت سر ما قرار بگیرند. ما پیشاهنگان دنیا هستیم؛ پیشتازانی که راهی صحرای ناآزموده ها شده اند تا در دنیای نوینی که از آن ماست، راه نوینی بگشایند.<sup>6</sup>

این مفهوم عهد است که به هویت یهودیان (و آمریکایی ها) این ویژگی دوگانه شگفت انگیز را می دهد. ملت ها عموماً در طول تجربه تاریخی درازمدت و آنچه بر آنها رخ می دهد، شکل می گیرند و نه آنچه خود، آگاهانه برای خویشتن مقرر می سازند. آنها در مقوله مخنه (ارودگاه) قرار می گیرند. دین ها اما از راه باور و حس رسالت تعریف و هر یک عده (جماعت) محسوب می شوند. ویژگی یگانه یهودیت روشی است که این ایده های متفاوت و بس متمایز را در کنار هم قرار می دهد. ملت های بسیاری هستند که چندین دین را دربرمی گیرند و دین هایی هستند که در میان چندین ملت رواج دارند، ولی تنها در قالب یهودیت است که دین و ملت با هم تلاقی می کنند.

این وضعیت پیامدهای چشمگیری داشته است. طی تقریباً دوهزار سال، یهودیان در دنیا پراکنده بوده اند، اما همچنان خود را مانند یک ملت می دیدند و دیگران نیز آنها را یک ملت می دانستند. آنها اولین ملت جهانی بودند. ملتی بودند که نه با نزدیکی جغرافیایی یا هر گونه همراهی معمول ملی با یکدیگر پیوند داشتند. یهودیان با زبان مشترکی تکلم نمی کردند. راشی به فرانسوی حرف می زد و مشه بن مایمون به عربی. راشی در فرهنگ مسیحی می زیست و مشه بن مایمون در فرهنگ اسلامی. سرنوشت آنها هم یکسان نبود. در زمانی که یهودیان اسپانیا دوران طلایی خود را می گذراندند، یهودیان اروپای شمالی در جریان جنگ های صلیبی کشتار شدند. در قرن پانزدهم وقتی یهودیان اسپانیا مورد آزار و تبعید قرار گرفتند، یهودیان لهستان، بهار مدارای بیسابقه ای را تجربه کردند. آنچه یهودیان را در طی این قرون همبسته نگه داشت، ایمان مشترک آنها بود. در آسیب ناشی از رهشادگی دینی در میان

<sup>6</sup> Herman Melville, *White-Jacket* (Oxford: Oxford University Press, 2000), 153. See Jonathan Sacks, "The Universal Story", in Pesach Haggadah (Jerusalem: Maggid, 2013), 75-84.

یهودیان اروپا و خیزش یهودی ستیزی پس از آن، یهودیان بسیاری ایمان خود را از دست دادند. با وجود این، پس از رویدادهای قرن گذشته [قرن بیستم] - از جمله آزارها، پوگروم ها [کشتارهای دستجمعی یهودیان در روسیه تزاری] و هالاکاست - زایش کشور اسرائیل و نبرد مداوم بقا در رویارویی با جنگ و ترور، یهودیان را در قالب عهد سرنوشت مشترک در برابر دنیای متخاصم متحد ساخت. پس، زمانی که یهودیان، سرنوشت های متفاوت داشتند، با ایمانی مشترک به یکدیگر همبسته بودند و زمانی که میان ایمان آنها جدایی افتاد، براساس سرنوشت یکسان دوباره متحد شدند. طنز تلخ تاریخ یهود که خاستگاه آن در مشیت الهی است، چنین بود.

یهودیت در طول دو قرن اخیر شکاف برداشته، به عده های (عدوت: جماعت ها/گرایش های ایمانی) متفاوتی تقسیم شده است: اورتودوکس و رفورم، دینی و سکولار، و انواع فرقه های منشعب که همچنان زندگی یهودیان را ریز ریز و به فرقه ها و خرده فرهنگ های متعددی فرومی شکنند.

اما در زمان های بحرانی ما هنوز قادریم با علم به این که سرنوشت مشترک یهودیان گرایش به جدایی ناپذیری دارد، به ندای مسئولیت جمعی پاسخ بگوییم. به قول جان دون، هیچ یهودی یک جزیره نیست و فقط به خودش ختم نمی شود. ما با تارهای محکم و نامرئی حافظه جمعی به یکدیگر متصل هستیم که در زمان هایی می توانند ما را به حس مقصد مشترک مجهز سازند.

این دوگانگی، نخستین بیان خود را در پاراشای این هفته، بهالوتیخا، در قالب این دستور می-یابد: "دو شیپور از جنس نقره بساز و با چکش کاری درست کن. آنها به کار فراخواندن جماعت [عده] و ابلاغ فرمان حرکت به اردوگاه [مخنه] خواهند آمد." گاهی صدای شیپور با حس ایمان ما ارتباط می گیرد. ما مردمان در خدمت خدا، فرستادگان و سفیران او بوده، موظفیم که با انجام کارهای بهبودگر و زندگی های مقدس، حضور او را در جهان تحقق

بخشیم. در زمان های دیگر، شیپورِ دوم با فراخوانِ سرنوشتِ مشترک به صدا درمی آید: وقتی زندگی یهودیان در اسرائیل یا دیاسپورا در اثر دشمنی کسانی که خود را فرزندان ابراهیم می-نامند، اما ادعا دارند که آنان و نه ما میراث دار ابراهیم هستیم.

شیپورهای نقره ای هر یک از این صداها را که تولید کنند، فراخوانی به آن دوگانگی هستند که یهودیان و یهودیت را جدایی ناپذیر می سازد. هر قدر هم جدایی میان ما عمیق باشد، ما بر اساس سرنوشت و ایمان مشترک، یک خانواده واحد باقی می مانیم. وقتی ترومپت به صدا درآید، برای همه ما نواخته می شود.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian